

انسان موجودی مختار است و برای دستیابی به سعادت و رستگاری و کمال خود در دنیا و آخرت همواره در معرض اعمال اراده و انتخاب و تصمیم گیری است و او در راه زندگی خویش و در گزینش کارها و نیازهای خود در لحظه‌های عمر خویش مواجه با وسوسه‌های شیاطین است ، هرگاه آدمی بتواند با اراده قوی مملو از ایمان این خواسته‌ها و امیال را که توسط شیطان به دایره ذهن او هجوم می‌آورند قبل از اینکه منجر به عمل شوند تزکیه و تصفیه نماید و از بین آنها آن را که مطابق عقل و شرع است انجام دهد و از آنکه موافق عقل و شرع نیست خودداری کند به صراط مستقیم که رستگاری و سعادت ابدی است راه می‌یابد. انسان همواره در گزینش و انتخاب خود دو راه بیشتر ندارد یکی راه شیطان و گمراهی است و دیگری راه کمال و صراط مستقیم و تمام تلاش شیطان آن است که به سر راه مستقیم بنشیند و به عنوان یک رهزن ماهر نگذارد کسی این صراط را طی کند. راه شیطان در حقیقت نقطه مقابل صراط مستقیم به خدا پرستی منتهی می‌شود. شیطان دشمن سعادت انسان است از این رو در مسیر کمین می‌کند تا او را فریفته و اغوا کرده به دامش بیاندازد. کارها و کمین گاه‌های شیطان متعدد است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

وسوسه :

«نخستین کار شیطان وسوسه است که شاید کارهای دیگر او نیز به همین امر باز می‌گردد و این کاری است که در مورد آدم و حوا علیه السلام انجام داد و باعث خروج آنها از بهشت گردید.^۱»

زینت دادن گناه و کارهای زشت (تسویل) : «از کارهای دیگر شیطان که سرلوحه برنامه‌های اوست ، زینت دادن کارهای بد در نظر آدمیان است یعنی بر اثر گناهان بسیار، قلب انسان تیره و سخت و روح آنها انعطاف پذیر شده و شیطان با استفاده از روح هواپرستی اعمالش را در نظرش زینت داده و هر عمل زشتی را که انجام دهد زیبا و هر کار خلافی را صواب می‌پندارد.

زینت ۴۶ مرتبه در قرآن به کار رفته است و بر دو نوع است : ممدوح و مذموم و اکثر قریب به اتفاق آیات در رابطه با زینت مذموم است.^۲»

دزدی ایمان و خراب کردن عمل :

«کار دیگر شیطان این است که تا می‌تواند نگذارد که فرزندان آدم (ع) کسی به قرب الهی برسد و به مقامات عالیه انسانی دست یابد او از همان اول تا قیام قیامت در تلاش است که اصل ایمان را بگیرد و گرنه کاری می‌کند که ایمان آدمی را ضعیف و کمتر کند و اگر از راه ایمان نتوانست

^۱ کتاب جن و شیطان ، نویسنده : علیرضا رجالی تهرانی ، ص ۵۶

^۲ همان

وارد شود در باب فساد ، عمل خودش را انجام می دهد سپس اگر فرشته ، خدمت گذار مقام انسان است ، شیطان راهزن اوست^۱ .

ایجاد فراموشی در انسان :

«کار دیگر شیطان ایجاد فراموشی در انسان است. وسایلی بر می انگیزد که آدمی غافل شده و یاد خدا را فراموش کند. لحظه ای غفلت از شیطان، غفلت از یاد و ذکر خدا را به دنبال دارد. حضرت یوسف (علیه السلام) در تعبیر خواب یکی از دو رفیق زندانش گفته بود : تو به همین زودی آزاد می شوی و به او سفارش کرد اسمی از حضرت پیش پادشاه بیاورد تا بلکه بی گناهی آن اثبات شود ولی آن غلام پس از آزادی فراموش کرد که سفارش یوسف را به گوش پادشاه برساند و این باعث شد که حضرت به سبب فراموشی چند سال دیگر در زندان بماند^۲ .»

نزغ و فساد انگیزی :

«یکی دیگر از کارهای پلید شیطان این است که برای رسیدن به اهداف خود در بین مردم فساد انگیزی می کند نزغ به معنی وارد شدن در کاری به قصد فساد و افساد است و مداخله در امری برای خرابکاری کردن می باشد. چنانکه در آیه ای دیگر به پیامبر خود به هنگام نزغ شیطان دستور استعاده می دهد^۳ و می فرماید: «و اما ینزغنک من الشیطان نزغ

^۱ کتاب جن و شیطان ، نویسنده : علیرضا رجالی تهرانی ، ص ۶۰

^۲ همان ص ۶۰

^۳ همان ص ۶۲

فاستعد بالله انه سمیع علیم^۱»، و چنانچه بخواهد از طرف شیطان (انس و جن) در تو وسوسه و جنبشی پدید آید به خدا پناه بر که او به حقیقت شنوا و داناست.

و عده دادن به انسان :

کار دیگر شیطان وعده دادن به انسان و دعوت کردن او به سوی بدی هاست. «از صحنه‌های دوزخ یکی همین است که چون مردم وارد می‌شوند و در می‌یابند که جایگاه‌شان دوزخ است با هم مجادله می‌کنند و هر یک می‌گویند تقصیر دیگری بود و همه می‌گویند تقصیر شیطان بود و گویی شیطان را به محاکمه می‌کشند اما شیطان به آنها می‌گوید: من بر شما سلطه‌ای نداشتم فقط دعوتتان می‌کردم و شما هم لبیک می‌گفتید.» پس هر چند که دعوت مردم به وسیله شیطان به سوی شرک و معصیت به اذن خداست ولی صرف دعوت است و تسلط نیست یعنی خداوند شیطان را بر ما مسلط نکرده است چون دعوت کردن به کاری حقیقتش تسلط دعوت کننده بر کاری که دیگران را به آن دعوت کرده نمی‌باشد اگر چه شخص دعوت کننده یک نوع تسلطی بر اصل دعوت پیدا کند.

^۱سوره اعراف، آیه ۲۰۰

لذا به دنبال نفی سلطنت خویش بر مردم این نتیجه را می‌گیرد که: «فلا تلمونونی ولو مرا انفسکم؛ اختیارتان به دست خودتان بود خودتان کردید که لعنت بر خودتان باد»^۱.

مشارکت در اموال و اولاد مردم :

« یکی دیگر از کارهای شیطان مشارکت در اموال و اولاد است ، یعنی کاری که اموال و اولاد را به حرام آمیخته می‌کند ، چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم : «و شارکهیم فی الاموال و الاولاد؛ در اموال و اولادشان شرکت کن»^۲.

شرکت کردن شیطان با آدمی در مال و فرزند سهم بردن از منفعت و اختصاص است. مثل اینکه آدمی را وادار کند به تحصیل مال که خداوند آن را مایه رفع حاجات آدمی قرار داده از راه حرام : زیرا در این صورت هم آدمی از آن مال منتفع شده به غرض طبیعی خود نایل می‌شود و هم شیطان به غرض خود رسیده است و یا آن که از راه حلال کسب بکند و لیکن در معصیت به کار بزند و در اطاعت خدا صرف نکند، پس هر دو از آن مال منتفع شده‌اند ، با اینکه او از رحمت خدا تهی دست است و یا آن که از راه حرام فرزندی برای آدمی بدنیآید و یا از راه حلال به دنیا آید ولیکن به تربیت دینی و صالح تربیتش نکند و به آداب خدایی مودبش

^۱ سوره ابراهیم ، آیه ۲۲

^۲ کتاب ابلیس نامه یا قصه های شیطان : آیات - روایات - قصه ها ، نویسنده : محسن